

سقف و کف افزایش حقوق سال ۱۴۰۵



سخنگوی ستاد بودجه گفت فوق‌العاده خاص ۴۴۰۰ امتیازی بر اساس ماده ۱۰۶ قانون برنامه هفتم به حقوق کارکنان و بازنشستگان اضافه شد که معادل حدود ۳ میلیون و ۵۰ هزار تومان است. مژگان خاتلو افزود: با این افزایش، حداقل حقوق از ۱۲ میلیون تومان به حدود ۱۸ میلیون و ۶۵۹ هزار تومان می‌رسد که معادل رشد ۴۳ درصدی است. با افزایش سطح حقوق، اثر این مبلغ ثابت کاهش می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که برای حقوق‌های بالاتر، میزان رشد به حدود ۲۶ درصد می‌رسد. وی افزود: افزایش حقوق بازنشستگان نیز مشابه کارکنان اعمال شد. مستمری مددجویان کمیته امداد و بهزیستی که پیش‌تر ۳۰ درصد افزایش می‌یافت، به دلیل افزایش کف حقوق به ۵۰ درصد افزایش رسید.

سقوط شدید رمزارزها



بیت‌کوین، بزرگ‌ترین رمزارز جهان، طی ۷ روز گذشته ۲۵،۱ درصد سقوط کرده و اکنون وارد کانال ۶۳ هزار دلار شده است. بر اساس داده‌های کوین‌مارکت‌کپ، قیمت بیت‌کوین تنها در ۲۴ ساعت گذشته ۱۲،۷ درصد کاهش یافته است. قیمت این ارز دیجیتال تا ساعت ۲۲ به وقت گرینویچ (۱۳:۰۰ بامداد جمعه به وقت تهران) به ۶۳۰۷۰ دلار رسید. این رمزارز تمام رشدهایی را که پس از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و آغاز به کار وی به دست آورده بود، از دست داد. ترامپ ۵ نوامبر ۲۰۲۴ انتخاب شد و پیروزی وی که طرفدار رمزارزهاست، باعث شد قیمت بیت‌کوین از حدود ۶۸ هزار دلار به بیش از ۱۰۰ هزار دلار تا ۱۷ دسامبر ۲۰۲۴ افزایش یابد. بر اساس این گزارش، قیمت این دارایی دیجیتال در اکتبر ۲۰۲۵ به رکورد تاریخی ۱۲۶۲۰۰ دلار نیز دست یافت. اتریوم، دومین رمزارز بزرگ جهان نیز با افت ۱۲،۹ درصدی به ۱۸۵۰ دلار رسید. این الت‌کوین طی ۷ روز گذشته در مجموع ۳۴،۵ درصد کاهش قیمت را تجربه کرده است.

۹ بار رکورد شکنی تولید گاز پارس جنوبی طی ۲ سال اخیر



میدان گازی پارس جنوبی با سهم ۷۰ درصدی در تولید گاز کشور، مهم‌ترین منبع تأمین گاز ایران محسوب می‌شود. اگرچه به جز فاز ۱۱ پارس جنوبی، پرونده توسعه بقیه فازهای این میدان مشترک بسته شده اما با تعریف طرح‌های متعددی از جمله حفاری‌های میان‌فازی و استفاده از ظرفیت‌های بهینه تولید در فازهای قدیمی، در کنار توسعه فاز ۱۱، ارقام جدیدی از تولید گاز از این میدان مشترک طی ۲ سال اخیر به ثبت رسیده است. طبق آمار رسمی شرکت نفت و گاز پارس، دستاوردهای تولیدی این شرکت در زمستان‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ به ثبت رکوردهای کم‌سابقه در برداشت روزانه گاز غنی از میدان مشترک، پارس جنوبی انجامیده است. در زمستان ۱۴۰۳ تولید روزانه گاز غنی از این میدان به ارقام ۷۱۴،۷۱۲،۷۱۰ و نهایتاً ۷۱۶ میلیون مترمکعب رسید. این روند فزاینده سال ۱۴۰۴ نیز ادامه یافت و پس از ثبت تولیدهای ۷۱۸،۷۲۲،۷۲۳ و ۷۲۵ میلیون مترمکعب، در بهمن‌ماه ۱۴۰۴ بالاترین نصاب تولید در تاریخ ۲ دهه به‌برمداری از میدان پارس جنوبی با رقم ۷۲۷ میلیون مترمکعب گاز غنی در روز به ثبت رسیده، رکوردی که نشان‌دهنده حداکثرسازی ظرفیت تولید در شرایط اوج مصرف و نقش حیاتی این میدان در پایداری شبکه گاز کشور، تأمین سوخت نیروگاه‌ها و تداوم فعالیت صنایع خرد و کلان است. در واقع در ۲ سال اخیر، ۹ بار رکورد تولید روزانه گاز از پارس جنوبی شکسته و در نهایت بیشترین مقدار تولید گاز از این مخزن مشترک در سمت ایران به ۷۲۷ میلیون مترمکعب رسیده است. در طول ۱۵ ماه گذشته، ۱۴ حلقه چاه جدید در میدان پارس جنوبی حفاری شده که حدود ۲۵ میلیون مترمکعب در روز به برداشت گاز خام کشور افزوده است. این ۱۴ حلقه چاه جدید در میدان مشترک پارس جنوبی شامل ۴ حلقه چاه در قالب طرح حفاری‌های درون‌میدانی (انفیل) و ۱۰ حلقه چاه توسعه‌ای در فازهای ۱۳، ۱۱ و ۱۴ است. همچنین به گفته محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، پیش‌بینی می‌شود تا پایان امسال حدود ۴ حلقه چاه جدید دیگر در قالب طرح حفاری درون‌میدانی به بهره‌برداری برسد که با احتساب این چاه‌ها، مقدار افزایش برداشت از پارس جنوبی در مجموع به حدود ۳۰ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد. افزایش تولید گاز از مخزن مشترک پارس جنوبی، هم از حیث کاهش ناترازی گاز و تأمین نیاز گازی کشور و هم از حیث مشترک بودن این مخزن بین ایران و قطر حائز اهمیت است.



نتیجه معکوس سیاست فشار حداکثری بر فروش نفت ایران

شلیک مشقی واشنگتن

و روزانه حدود ۱،۵ میلیون بشکه از این کشور نفت می‌خرد. این رقم مسکو را در سخت‌ترین دوران تحریم‌ها سرپا نگه داشته است. در چنین شرایطی ناگهان خبری منتشر شد مبنی بر اینکه «هند اعلام کرده از ایران نفت وارد نمی‌کند و آمریکا قرار است نفت ونزوئلا را جایگزین کند». این ادعا در ظاهر یک پیام سیاسی است اما در واقعیت چیزی را تغییر نمی‌دهد. چون هند از سال ۲۰۱۹ هیچ نفتی از ایران نخریده و نیاز خود را از نیجریه، عراق و بویژه روسیه تأمین کرده است. پس چرا آمریکا چنین ادعایی را مطرح می‌کند؟ چون واشنگتن می‌خواهد نشان دهد حتی تصمیمات انرژی کشورهای مستقل هم باید از فیلتر منافع آمریکا عبور کند. این پیام فقط برای هند

گروه اقتصادی: در دل تحولات انرژی جهان، آمریکا می‌خواهد فرمان بازار نفت را در دست بگیرد، این رویا از حمله به کاراکاس شکل گرفت و حالا با همان خیال خام به خاورمیانه آمده است. این تلاش فقط برای یک رقابت اقتصادی نیست، بلکه یک ابزار فشار ژئوپلیتیک است که واشنگتن می‌خواهد از آن برای مهار چین، محدود کردن روسیه و کنترل رفتار کشورهای واردکننده استفاده کند. روایت هفته‌های اخیر نشان می‌دهد این سیاست نه‌تنها ادامه دارد، بلکه وارد مرحله تهاجمی‌تری شده است. آمریکا مدتی است به هند فشار می‌آورد تا خرید نفت از روسیه را کاهش دهد. هند اما تا امروز یکی از بزرگ‌ترین مشتریان نفت روسیه باقی مانده

واقعیت بازار نفت با روایت آمریکا فاصله دارد

اما واقعیت بازار نفت با روایت آمریکا فاصله دارد. هند کشوری نیست که به‌راحتی زیر بار فشار برود. دهلی‌نو در سال‌های اخیر نشان داده سیاست خارجی‌اش را بر اساس منافع ملی خود تنظیم می‌کند، نه خواسته‌های واشنگتن. خرید گسترده نفت ارزان روسیه، نمونه روشن این استقلال است. هند با این خریدها نه‌تنها هزینه انرژی خود را کاهش داده، بلکه پالایشگاه‌هایش را به مرکز صادرات سوخت به اروپا تبدیل کرده است. درست همان اروپایی که خودش واردات نفت روسیه را ممنوع کرده، حالا سوخت پالایش‌شده از نفت روسی را از هند می‌خرد.

در چنین شرایطی، ادعای آمریکا درباره قطع واردات نفت ایران توسط هند

بیشتر شبیه یک نمایش سیاسی است تا یک واقعیت اقتصادی و بیشتر تلاشی است برای القای این پیام که «کشورها از ایران فاصله می‌گیرند» و فشار حداکثری واشنگتن جواب داده است اما فقط در فضای رسانه‌ای، ترامپ توانسته فشار روانی را بر تهران افزایش دهد.

در سطح کلان‌تر اما این تحولات نشان می‌دهد بازار نفت وارد دوره‌ای از رقابت ژئوپلیتیک شده که در آن انرژی فقط یک کالا نیست؛ یک ابزار قدرت است. آمریکا می‌خواهد با کنترل عرضه، مسیر تجارت جهانی را شکل دهد و از آن برای مهار چین استفاده کند؛ کشوری که بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان است و هرگونه اختلال در بازار انرژی می‌تواند اقتصادش را تحت فشار قرار دهد.

تلاش آمریکا برای کنترل بازار جهانی و سناریوهای بازار نفت

آنچه امروز در خلیج فارس می‌گذرد را می‌توان تلاش آمریکا برای کنترل بازار جهانی نفت تحلیل کرد. جهان هنوز از شوک محاصره دریایی غیرقانونی ونزوئلا بیرون نیامده است اما واشنگتن با سرعتی قابل‌توجه تمرکز خود را به خاورمیانه منتقل کرده است. اظهارات اخیر ترامپ درباره اعزام ناگروها در واقع بخشی از همین استراتژی ایجاد ترس در بازار، بالا بردن ریسک ژئوپلیتیک و شکل دادن به قیمت نفت از مسیر فشار نظامی و روانی است. چند وقت پیش بازار هم به این سیگنال‌ها واکنش نشان داد. قیمت نفت برنت برای تحویل مارس ۱،۸ درصد بالا رفت و به مرز ۷۰ دلار رسید. نفت وست‌تگزاس نیز همین مسیر را رفت. این واکنش سریع نشان می‌دهد بازار جهانی نفت، برخلاف ادعای «مازاد عرضه»، همچنان به‌شدت نسبت به هر نشانه‌ای از اختلال در خلیج فارس حساس است. کافی است یک تنش از سوی واشنگتن شروع شود تا معامله‌گران دست به خرید بزنند. در چنین فضایی، تحلیلگران به‌سرعت سناریوهای پیش‌رو را بررسی کرده‌اند. آدیتیا ساراسوات از «ریتسئاد انرژی» ۳ مسیر را پیشنهاد می‌دهد: ادامه وضع موجود و صادرات محدود ایران، بازگشت به میز مذاکره که فعلاً دور از ذهن است و سناریوی سوم درگیری نظامی که صادرات انرژی از تنگه هرمز را به‌طور کامل مختل کند. او تأکید می‌کند ابزارهای سنتی ایران مثل بستن تنگه هرمز یا اتکا به چین همچنان روی میز هستند اما هر اشتباه محاسباتی می‌تواند پیامدهای بسیار سنگینی داشته باشد.

تنگه هرمز همچنان حساس‌ترین نقطه انرژی

جهان است. بسته شدن آن حتی برای چند روز، هزینه حمل‌ونقل و بیمه را سر به فلک می‌برد و زنجیره تأمین انرژی را مختل می‌کند. با این حال، نفت شده و بازار در برابر شوک‌ها انعطاف بیشتری یافته است. حتی امین ناصر، مدیرعامل آرامکو نیز تأکید کرده که صنعت انرژی اکنون توانایی مدیریت اختلالات را دارد اما این نگاه خوش‌بینانه یک روی دیگر هم دارد؛ بازار شاید مقاومت‌تر شده باشد اما انسداد تنگه هرمز فراتر از این سیاست‌هاست. در واقع واشنگتن به دنبال آن است تا ترکیبی از فشار نظامی، تحریم‌های هدفمند و روایت‌سازی رسانه‌ای، صادرات نفت ایران را به حداقل برساند. هدف نهایی نیز روشن است: آنها به قصد فلج کردن توان مالی ایران و محدود کردن نقش آن در معادلات منطقه‌ای سیاست‌ها را دنبال می‌کنند اما تجربه سال‌های اخیر نشان داده این سیاست، با وجود هزینه‌های سنگین، به هدف نرسیده است. ایران مسیرهای جدیدی برای فروش پیدا کرده، تخفیف‌های هدفمند ارائه داده و با اتکا به چین و شبکه حمل‌ونقل سایه، صادرات خود را حفظ کرده است.

برای جلوگیری از شکل‌گیری معادلات جدید در بازار انرژی است. به عبارت دیگر، مرحله‌ای تازه از تقابل در بازار انرژی شکل گرفته که خاورمیانه می‌تواند آن را وارد دوره‌ای جدید کند. معامله‌گران فعلاً با احتیاط حرکت می‌کنند اما چشم از خلیج فارس برنمی‌دارند، چراکه در حال حاضر بخش عمده نفت جهان از این مسیر می‌گذرد و ایران می‌تواند به‌راحتی معادلات جدیدی را بر بازار انرژی جهان تحمیل کند و بسیاری از متحدان آمریکا دچار بحران شوند که قطعاً ترامپ نمی‌تواند پاسخگوی آن باشد.

بی‌توجهی بازار به تحریم‌های ثانویه

روایتی است که بیشتر به کار فشار روانی می‌آید تا تحلیل واقعی بازار. در سطح کلان‌تر، فشار آمریکا بر ایران بخشی از یک استراتژی برای فشار بر چین است تا هزینه‌های این کشور را بالا ببرد و به عبارت دیگر چین نتواند در بازار جهانی خیلی حرفی برای گفتن داشته باشد. همان‌طور که در ماه‌های اخیر به چین در زمینه تعرفه کالاهای خاص فشار آورد، حالا تلاش می‌کند مسیرهای انرژی چین را به سمت منابعی هدایت کند که تحت کنترل واشنگتن است اما این سیاست مشکل اساسی دارد؛ جهان امروز دیگر جهان یک‌قطبی نیست، چین، هند، روسیه و حتی کشورهای کوچک‌تر آسیایی و آمریکای لاتین، شبکه‌های جدیدی از همکاری انرژی ایجاد کرده‌اند که خارج از کنترل آمریکا عمل می‌کنند. در این میان، ایران یکی از بازیگران اصلی این شبکه است. صادرات نفت ایران به چین، افزایش فروش از مسیرهای غیررسمی، استفاده از ناوگان سایه و همکاری با پالایشگاه‌های مستقل آسیایی، همه نشان می‌دهند سیاست فشار حداکثری آمریکا نتوانسته صادرات نفت ایران را متوقف کند. حتی در دوره‌هایی که تحریم‌ها شدیدتر شده، ایران توانسته با تخفیف‌های هدفمند، قراردادهای بلندمدت و مسیرهای جدید حمل‌ونقل، صادرات خود را حفظ کند. به همین دلیل است که آمریکا امروز بیش از گذشته به ابزار رسانه‌ای متوسل شده است. وقتی فشار عملی نتیجه نمی‌دهد، روایت‌سازی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ادعای «قطع واردات نفت ایران توسط هند» دقیقاً در همین چارچوب قابل فهم است؛ تلاشی برای القای این پیام که ایران منزوی شده، در حالی که واقعیت بازار چیز دیگری می‌گوید.

واشنگتن سال‌هاست که روی این هدف پافشاری می‌کند. از تحریم‌های ثانویه گرفته تا تهدید شرکت‌های کشتیرانی، از فشار بر بیمه‌گران بین‌المللی تا رصد تراکنش‌های بانکی، همه بخشی از یک استراتژی واحد است که با هدف قطع دسترسی ایران به بازار جهانی نفت رخ داده اما واقعیت میدانی چیز دیگری می‌گوید و این سند شکست سیاست‌های خصمانه آمریکاست که برای همه نمایان شده است. در واقع ایران نه‌تنها صادرات خود را حفظ کرده، بلکه در برخی دوره‌ها توانسته آن را افزایش دهد و مسیرهای جدیدی برای فروش ایجاد کند؛ مسیری که آمریکا هر بار تلاش کرده ببندد اما در عمل با شبکه‌ای پیچیده از همکاری‌های منطقه‌ای و آسیایی روبه‌رو شده است.

در همین چارچوب باید ادعای اخیر آمریکا درباره قطع واردات نفت ایران توسط هند را تحلیل کرد. واشنگتن می‌خواهد چنین وانمود کند که فشارهایش نتیجه داده است و کشورهایی مثل هند از ایران فاصله گرفته‌اند و حالا نوبت چین است اما واقعیت این است که این خبر بیشتر یک عملیات رسانه‌ای است تا یک تحول واقعی. به همین دلیل آمریکا نمی‌تواند با این خبرها چین را اغفال کند. امروز هند روزانه ۱،۵ میلیون بشکه نفت از روسیه وارد می‌کند. این رقم عدد بزرگی است که قابل تأمین با نفت ونزوئلا نیست. به همین دلیل دهلی‌نو در برابر فشارهای آمریکا مسیر مستقل خود را در حوزه انرژی دنبال می‌کند.

واشنگتن می‌خواهد نشان دهد می‌تواند جریان نفت را مدیریت کند و کشورها را به سمت منابع مورد نظر خود هدایت کند اما این ادعا زمانی عجیب‌تر می‌شود که بدانیم نفت ونزوئلا امکان جایگزینی با نفت ایران و روسیه را ندارد. این یعنی آمریکا در حال ساختن

سناریوی درگیری مستقیم ایران و آمریکا

سناریوی درگیری مستقیم ایران و آمریکا، خطرناک‌ترین مسیر پیش‌رو است. برآورد سیتی‌بانک نشان می‌دهد تنها مختل شدن روزانه ۱،۱ میلیون بشکه از صادرات ایران می‌تواند قیمت نفت را ۲۰ درصد بالا ببرد و به محدوده ۷۵ تا ۷۸ دلار برساند. تجربه جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی نیز نشان داد حتی یک درگیری کوتاه‌مدت می‌تواند قیمت برنت را از زیر ۷۰ دلار به بالای ۹۰ دلار برساند. چنین جهش‌هایی معمولاً واشنگتن را وادار می‌کند از شدت تنش بکاهد، زیرا افزایش قیمت نفت مستقیماً به تورم داخلی آمریکا ضربه می‌زند.